

معنی مصطلح اینست دران چون نداری سوی بالایش زبان

بیت دو حرفند مستقله نیز برشمارم بهرت انها ای عزیز

همزه الف با و تا و نا و جیم حاو دال ذال مراد لم میم

زا و سین شین عین فا و نون کاو واو ها و یا ای ذو فنون

سابع است اطباق ای نیکو خصل کن پسند این را بدان فی قیل قال

در لغت اطباق پوشانیدنست هم تداصق هم تساوی کردنت

متصل بودن زبان سوی حلق باز از کامش کشودن یک بیک

این بود معنی اطباق از کشاد جار حرفند طاو و طاو و صاد و صاد

ثامن امد انفتاح اندر کلام در لغت بکشودن شیئی از مقام

ضد اطباقست آن در اصطلاح که هم خواهی که دالی انفتاح

متصل میاید بسازی تو زبان باز زبان در لفظ کشاده ماند آن

در میان حرف همچون و اشود خ ش نفس باز کرا آنها بر جهد

بیت

بیت پنج حرفند انها ای سلیم همزه الف با و تا و نا و جیم

حاو خا و دال ذال مر و قاف زا و سین شین عین غن کاو

فا و لام میم واو ها و نون یا و هم بشمر در نیمه ایشان کنون

تاسع امد نیز زلق اندر لغت تیز زبان کشتن بود آن در صفت

سخت نطق است بحرف در اصطلاح ان بتیزی زبان کرد در صلاح

هم بتیزی که را فی دو شفه میشود پیدا حروف مزلقه

شش حروف مزلقه دانی تمام میم را و با و نون فا و لام

هست عاشر صمت ای نیکو سیر ان بود منع سکوت اندر خبر

یعنی حرف مصمته ممنوع ازان چون حروف زلق باشند در بیان

زانکه بنود یک کلمه در کلام درینا های عرب از هر مقام

چار حرفه یا بود پنج حرفه نیز حرف زلق نبود درو میکنی نیز

چو حروف مزلقه باشند خفیف هم حروف مصمته نقل ای حروف

راست بر این قرار ایک حصول بیت سه حرفند مصمته کقول

بیت